

بررسی حکم نگاه زن به مرد در خواستگاری^۱

سیدابوالفضل موسویان^۲

علی اصغر حدیدی^۳

چکیده

یکی از احکام مربوط به مسلمانان، حرمت نگاه به نامحرم است که مورد اتفاق فقهاست. از حکم مذکور، مواردی از جمله نگاه مرد به زن در زمان خواستگاری استشنا شده است. فقهای امامیه نوعاً حکم مذکور را درباره زن جاری نمی‌دانند و معتقدند به سبب فقدان دلیل کافی، باید به ادله حرمت تمسک جست و قائل به حرمت نگاه زن به مرد در زمان خواستگاری گردید.

در این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی اثبات شده که ادله کافی بر جواز نگاه درباره زن نیز جاری است. اشکالات فقها در جهت نفی جواز نگاه زن نقدپذیر است و به نظر می‌رسد ادله جواز را می‌توان در خصوص زن نیز جاری دانست. ادله جواز نگاه عبارت است از روایات دال بر مسئله گران بودن ثمن و ایجاد توافق بیشتر با نگاه که البته به مردان اختصاص ندارد، بلکه نگاه زن به مرد نیز در بر می‌گیرد. ادله‌ای که حقوق و تکالیف مشابهی را برای

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱.

۲. استادیار دپارتمان الهیات دانشگاه مفید قم، رایانامه: moosavian@mofidu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مفید قم، (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: alihadidi20@gmail.com

زن و مرد قرار می‌دهد، همچون آیه ۲۲۸ سوره بقره نیز در مسئله نگاه زن در خواستگاری می‌تواند جاری شود. همچنین قاعده نفی ضرر نیز در بحث حاضر قابل تطبیق است، اما در مورد دلیل ضرورت، در صورتی می‌تواند حکم حرمت را کنار زند که صغرای آن توسط عرف به اثبات رسد. البته روشن است که در این دلیل، بیش از مقدار ضرورت نمی‌توان قائل به جواز شد.

کلید واژه‌ها: نگاه زن، نگاه مرد، خواستگاری، اغلی الثمن، ادله حرمت نگاه، ادله جواز نگاه.

مقدمه

حرمت نگاه به فرد نامحرم مسلمان از مسلمات فقه است (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ۶/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۴۶/۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۷۵/۲۹؛ عاملی، ۱۴۱۱، ۵۵/۱) و بر آن ادله کافی از کتاب و سنت اقامه شده است (نور/۳۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۹۰/۲۰-۱۹۳). مواردی از دایره حرمت خارج گردیده که از آن جمله می‌توان به نگاه در زمان خواستگاری اشاره نمود. فقهای امامیه با توجه به ادله روایی متعدد به حلیت نگاه مرد به زن قبل از عقد ازدواج حکم نموده‌اند؛ هر چند در حدود و ثغور آن اختلافاتی به چشم می‌خورد، در اصل آن اختلافی وجود ندارد. اما اکثر فقها به سبب فقدان دلیل کافی و روشن، استثنای بالا را درباره نگاه زن به مرد در زمان خواستگاری نپذیرفته و در نهایت، به عموماًت تحریم تمسک جسته‌اند.

در این مقاله با بررسی و نقد دیدگاه فوق به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که نگاه زن به مرد در خواستگاری چه حکمی دارد؟ چه دلایلی می‌توان برای اثبات حکم جواز نگاه اقامه نمود؟ در صورت اثبات حکم جواز برای زن، گستره آن چه مقدار است؟

در این پژوهش پس از تبیین مختصر ادله حرمت نگاه به نامحرم، ادله جواز نگاه مرد به زن در خواستگاری و ادله حرمت نگاه زن به مرد در خواستگاری، اثبات می‌شود که ادله فقها برای اثبات حکم حرمت نگاه زن به مرد در خواستگاری قابل نقد و پاسخگویی است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷

زمستان ۱۳۹۸

۱۰۶

شاید عدم وجود ادله خاص و کم اهمیت جلوه نمودن مسئله مورد بحث، باعث گردیده فقها کمتر به این مسئله (نگاه زن در خواستگاری) پردازند و به صورت مختصر از کنار آن عبور نمایند. در پژوهش‌های جدید نیز منابع زیادی یافت نشد. در مقاله آقای محمد مهدی مقدادی با عنوان «خواستگاری در فقه و حقوق» (مجله مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۳، شماره ۲۵، ۲۶۸-۲۹۱) مسائلی همچون جواز نگاه به همسر آینده و قلمرو و شرایط آن، موانع خواستگاری و... تبیین گردیده و به طور مختصر نگاه زن به مرد نیز آورده شده و سعی گردیده تا جواز آن اثبات گردد. مقاله «حکم نظر به مخطوبه» از آقای علیرضا صدرحسینی (مجله پژوهش‌های فقهی، ۱۳۸۴، شماره ۳، ۱۶۳-۱۸۶) مقاله دیگری است که در زمینه نگاه در خواستگاری نگاشته شده و هر چند به طور تفصیلی قلمرو نگاه مرد به زن بحث شده، اما نگاه زن به مرد بررسی نگردیده است. تنها پژوهشی که به طور جدی این مسئله را لحاظ و بررسی نموده، کتاب «الستر و النظر» (جلد اول از کتاب «المسائل الحرجة فی فقه المرأة» (بی‌تا)، بیروت: مؤسسه المنار- نشر جاوید) از محمد مهدی شمس‌الدین می‌باشد که به طور تفصیلی ادله طرفین را مورد بررسی فقهی قرار داده و در نهایت به حکم جواز نگاه زن متمایل گشته است.

بررسی حکم
نگاه زن به مرد در
خواستگاری

۱۰۷

ادله حرمت نگاه به نامحرم

از آنجا که غالب فقهای امامیه با استناد به ادله حرمت نگاه به نامحرم، نگاه زن به مرد در خواستگاری را حرام برشمرده‌اند، بررسی اجمالی این ادله و اقوال فقها مهم می‌نماید؛ هر چند این پژوهش متکفل بررسی تفصیلی این مطلب نمی‌باشد. ادله حرمت نگاه به نامحرم از کتاب و سنت به روشنی قابل استخراج است. از جمله آنها می‌توان به آیه ۳۰ سوره نور اشاره نمود: «به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است». در آیه بعد نیز همین دستور به زنان خطاب شده است. در کتب روایی ابوابی به این موضوع است. مانند «باب تحریم النظر الی النساء الاجانب و شعورهن» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۹۰/۲۰).

فقه امامیه نیز که برگرفته از معارف غنی کتاب و سنت است، نگاه به نامحرم را (چه نگاه مرد به زن یا عکس آن) به غیر وجه و کفین و در غیر موارد ضروری به طور اجماعی (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ۶/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۴۶/۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۷۵/۲۹؛ عاملی، ۱۴۱۱، ۵۵/۱) حرام می‌داند، بلکه چنین حکمی از ضروریات مذهب شمرده شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۷۵/۲۹). در مورد وجه و کفین نیز در صورتی که همراه با قصد لذت یا خوف فتنه باشد، همین حکم جاری است، اما اگر این‌گونه نباشد، مورد اختلاف فقها قرار گرفته و به طور کلی می‌توان به سه دسته کلی جواز مطلق (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۶۰/۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۴۷/۷-۴۸؛ کرکی، ۱۴۱۴، ۳۹/۱۲؛ عاملی، ۱۴۱۱، ۵۶/۱؛ نراقی، ۱۴۱۵، ۴۶/۱۶؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۴۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۵۶/۱) عدم جواز مطلق (حلی، ۱۳۸۸، ۵۷۳؛ حلی، ۱۴۱۰، ۵/۲؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷، ۶/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۷۹/۲۹-۸۰) و تفصیل بین نگاه اول با نگاه‌های بعدی (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۱۳/۲؛ حلی، ۱۴۱۳، ۶/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲، ۶۷/۲) تقسیم نمود.

ادله جواز نگاه مرد به زن در خواستگاری

دلیل اجماع (نجفی، ۱۴۰۴، ۶۳/۲۹) و روایات، دو دلیل فقها برای جواز نگاه می‌باشد که با توجه به حجیت نداشتن اجماع به طور مستقل در فقه امامیه، عمده ادله فقها روایات متعددی است که در این زمینه وارد شده (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ۸۷/۲۰) و مخصوص ادله حرمت نگاه به نامحرم به‌شمار می‌آید. در اینجا به برخی از روایات اشاره می‌شود:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا (جایز است) مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه کند و به مو و زیبایی‌های او نظر نماید؟ فرمودند: اشکال ندارد به شرطی که همراه با لذت نباشد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۶۵/۵)؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند در او تأمل می‌کند و به جلو و پشتش نگاه می‌کند، فرمودند: آری، اشکال ندارد مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند به

۱. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ بِتَأَمُّلِهَا وَيَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا، قَالَ: نَعَمْ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۶۵/۵).

پشت و جلوی او نگاه کند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۶۵/۵)؛ از امام محمد باقر^ع در مورد مردی سؤال کردم که می‌خواهد با زنی ازدواج کند، آیا جایز است به او نگاه کند؟ فرمودند: بله (چراکه) همانا او را به ثمن زیادی می‌ستانند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۶۵/۵)؛ از پیامبر^ص نقل شده که به مغیره که زنی را خواستگاری کرده بود، فرمودند: اگر به او نگاه می‌کردی، سزاوارتر و نزدیک‌تر بود که بیستان سازگاری حاصل شود^۳ (سید رضی، ۱۴۲۲، ۱۱۹/۱)؛ از علی^ع درباره مردی که به محاسن زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، پرسیدم، فرمودند: اشکالی ندارد؛ چرا که مرد طلب‌کننده و مشتری است... (طوسی، ۱۴۰۷، ۴۳۵/۷).

با توجه به روایات مذکور و دیگر روایات مشابه، حکمت حکم جواز نگاه، «هزینه زیادی که مرد متحمل می‌شود»، «طالب بودن وی»، یا «تأثیر نگاه در سازگاری و الفت بین زوجین» معرفی شده است.

در اینکه مرد در زمان خواستگاری به چه قسمتی از اعضای بدن زن می‌تواند نگاه کند، اختلاف وجود دارد. برخی از فقها تنها وجه و کفین را مجاز دانسته‌اند، البته تکرار و تأمل را نیز جایز می‌شمارند (مفید، ۱۴۱۳، ۵۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۴۷/۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۱۲/۲؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰؛ ۶۰۹/۲؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ۵/۳؛ حلی، ۱۳۸۷، ۵۷۳؛ حلی، ۱۴۱۳، ۶/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳؛ ۴۱/۷؛ کرکی، ۱۴۱۴، ۲۸/۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ۳۸/۱۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۲۰/۷؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۴۰). برخی دیگر آن‌را به بیش از وجه و کفین همچون نگاه به مو و محاسن او یا نشست و برخاست او (صدوق، ۱۴۱۳؛ ۴۱۲/۳؛ طوسی، ۱۴۰۰، ۴۸۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۸؛ ۱۷۲/۱؛ حلی، ۱۴۲۰، ۴۱۹/۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴؛ ۲۰/۳؛ یزدی، ۱۴۱۹، ۴۹۱/۵) توسعه داده‌اند و برخی بدون قید «حائل» نگاه به تمام بدن (غیر از عورتین) را جایز شمرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۴۶/۲۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۶۶/۲۹؛ یزدی، ۱۴۱۹، ۴۹۱/۵). البته صاحب عروه این قول را خلاف احتیاط دانسته است. امام خمینی^ع نیز از روی پارچه نازک

۱. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ بِتَأْمَلِهَا وَ يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا، قَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ بِأَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا.
 ۲. سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ أَيَنْظُرُ إِلَيْهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا يَشْرَبُهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ.
 ۳. قَوْلُهُ لِلْمُعْبِرَةِ بْنِ شُعْبَةَ وَ قَدْ حَظَبَ امْرَأَةً لِيَتَزَوَّجَهَا: «لَوْ نَظَرْتُ إِلَيْهَا: فَإِنَّهُ أُحْرَى أَنْ يُؤَدِمَ بَيْنَكُمَا».
 ۴. فِي رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى مَحَاسِنِ امْرَأَةٍ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا قَالَ: لَا بَأْسَ إِنَّمَا هُوَ مُسْتَأْمَنٌ فَإِنْ تَقَيَّضَ امْرَأَتُ يَكُونُ.

را مطابق احتیاط دانسته است (خمینی، بی تا، ۲/۲۴۵).

با توجه به دیدگاه‌های بالا، وجه مشترک تمام دیدگاه‌ها را می‌توان جواز نگاه مکرر و با تأمل به وجه و کفین برشمرد، در حالی که اکثر ایشان همین مقدار را نیز نسبت نگاه زن به مرد جایز نمی‌دانند.

ادله جواز نگاه زن به مرد در خواستگاری

قائلان به جواز که عده کمی از فقها را تشکیل می‌دهند،^۱ به دو دلیل عمده استناد نموده‌اند:

دلیل اول: اشتراک علت در هر دو (زن و مرد)

از نظر ایشان علت «گران بودن ثمن و هزینه‌های ازدواج» و «طالب و مشتری بودن» در زن و مرد یکسان است و همان‌طور که مرد، زن را به گران‌ترین ثمن می‌ستاند، زن نیز با گران‌ترین مثن ازدواج با مرد را می‌پذیرد. بلکه نسبت به زن باید علت را به طریق اولویت جاری دانست؛ چرا که مرد تنها اموالش (همچون مهریه) را در قبال ازدواج با زن اعطا می‌کند، اما زن بضع و استمتاعش را در این بین بذل می‌نماید و برتری ارزشی بضع بر مال پرواضح است (کرکی، ۱۴۱۴، ۲۹/۱۲، انصاری، ۱۴۱۵، ۴۳). وجه دیگر برای اولویت، اختصاص حق طلاق به دست مرد است، در حالی که زن چنین حقی ندارد (انصاری، ۱۴۱۵، ۴۳). پس زن باید با نگاه و دقت در انتخاب خود، خطای در انتخاب را کاهش داده و از طلاق احتمالی آینده پیش‌گیری نماید.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸

۱۱۰

دلیل دوم: روایت «ان یؤدم بینکما»^۲

روشن است که دیده شدن مرد توسط زن نیز همچون عکس آن، در توافق و سازگاری بیشتر در زندگی مشترک تأثیر به‌سزایی دارد. پس علت فوق در هر دو نفر مشترک است. این روایت مورد استناد محقق کرکی و شیخ انصاری نیست و در ادامه

۱. ابوالصلاح حلبی، علامه در قواعد و شهید در روضه نیز گرچه قائل به جوازند، دلیلی ارائه ننموده‌اند (ر.ک: حلبی، ۱۴۰۳، ۲۹۶؛ حلبی، ۱۴۱۳، ۶/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲، ۶۷/۲).

۲. قَوْلُهُ بِاللَّغْمِغِيرَةِ بِنِ شُعْبَةَ وَ قَدْ خَطَبَ امْرَأَةً لِيَتَزَوَّجَهَا: لَوْ نَظَرَتْ إِلَيْهَا: فَإِنَّهُ آخِرَى أَنْ يُؤَدَمَ بَيْنَكُمَا (سید رضی، ۱۴۲۲، ۱/۱۱۹).

می آید که مورد توجه اشکال کنندگان قرار گرفته است.

اشکالات فقها به دلایل فوق

همان گونه که گفته شد، اکثر فقها با رد دلایل جواز، قائل به عدم جواز نگاه شده‌اند.

۱. عدم اشتراک علت

از نظر بسیاری از فقها علت‌های مذکور (گران بودن ثمن و هزینه‌های ازدواج و طالب و مشتری بودن) در هر دو مشترک نیست؛ چرا که در ازدواج، تنها مرد طلب‌کننده است و اوست که همچون مشتری است نه زن و اولویت بضع نیز تمام نیست؛ چرا که انتخاب اشتباه زن، با دریافت مهریه جبران‌پذیر است، اما مرد در قبال عقد ازدواج چیزی نمی‌ستاند تا جبران شود. پس جواز نگاه مرد توجیه‌پذیر است، اما نسبت به زن چنین نیست (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۲۱/۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۴۶/۲۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۶۸/۲۹؛ خویی، ۱۴۱۸، ۲۰/۳۲؛ حکیم، ۱۴۱۶، ۱۷/۱۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۳۵/۲۴؛ اراکی، ۱۴۱۹، ۱۸؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۹۷/۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ۴۰/۱۱) و برخی فقها تعمیم علت یاد شده (طالب و مشتری بودن و گران بودن ثمن) را قیاس باطل دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۶۸/۲۹).

بررسی حکم
نگاه زن به مرد در
خواستگاری

۱۱۱

بررسی

اولاً به نظر می‌رسد تسری علت یاد شده به مسئله نگاه زن، از موارد قیاس مستنبط العله نباشد تا نسبت به بطلان آن در فقه امامیه حکم گردد، بلکه از موارد تنقیح مناط است.^۱ درباره حجیت تنقیح مناط نیز هر چند اختلافاتی وجود دارد، به نظر می‌رسد آنچه مورد نفی فقها قرار گرفته، تنقیح مناط ظنی است. بسیاری از فقهای متأخر در استنباطات خود از تنقیح مناط بهره برده‌اند (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۰۳، ۲۲۴/۱؛ ۲۰۴/۱؛ بروجردی، ۱۴۱۶، ۲۸۶؛ ۳۰۲؛ خمینی، ۱۴۲۱، ۹۸/۳) یا به حجیت آن اشاره کرده‌اند (حکیم، ۱۴۱۶، ۴۳/۱۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۶۵/۱).

۱. در تنقیح مناط، مجتهد حکم واقعه‌ای را که در باره آن نص وجود دارد، به واقعه‌ای دیگر که درباره آن نص وجود ندارد، سرایت می‌دهد. در تنقیح مناط قطعی، مجتهد یقین دارد برخی از اوصاف (در موضوع منصوص) در تعلق حکم به موضوع دخالت ندارد؛ به همین دلیل، از راه شناسایی و حذف آن‌ها، مناط حقیقی حکم شارع را به دست می‌آورد (ر.ک: کلاتری، مفهوم، ۱۳۸۷، شماره ۱/۸۱).

بی‌تا، مصباح، ۲۱۷/۱) در مواردی که که ملاک حکمی روشن باشد، تنقیح مناط را پذیرفته‌اند (خویی، بی‌تا، مصباح، ۷۰/۲). در مسئله حاضر نیز تسری حکم جواز به زن به دلیل وجود ملاک قطعی درباره اوست.

توضیح اینکه به نظر می‌رسد عبارت «انما یشتریها باغلی الثمن» یک تعبیر حقیقی نباشد؛ چه اینکه زن در ازدواج حقیقتاً کالا نیست که نسبت به آن به واسطه مهریه بیعی صورت گیرد؛ به علاوه، در آن زمان‌ها مهریه‌ها نوعاً متعارف یا کم بوده است؛ لذا استعمال «اغلی الثمن» در چنین مواردی به صورت حقیقی صحیح نیست و انسباق بدوی آن به بیع و شراء با تأمل در خصوصیات مورد زائل می‌شود. از این رو، باید گفت این عبارت استعاره است از اینکه مرد با ازدواج، هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شود که از آن جمله هزینه عروسی، مهریه، فراهم نمودن مسکن، دادن نفقه، صرف عمر خود با همسر مورد نظر و... است و به طور کلی کلیه شئون مادی و معنوی‌ای را که مرد در زندگی خود به زن اختصاص می‌دهد، دربرمی‌گیرد (شمس‌الدین، بی‌تا، ۲۸۴).

بنابراین، مورد نظر روایت، تحمل هزینه‌های بالاست، اما مصداقی برای آن مشخص نگردیده که بتوان آن را بر مثل مهریه منحصر دانست. پس هر چند پرسشگر در روایت مرد بوده و امام علیه السلام با توجه به وی پاسخ داده است، اما با عنایت به مفهوم و ملاک کلی‌ای که از این روایت به دست می‌آید، می‌توان آن را بر زنان نیز تطبیق نمود؛ چه زن نیز با پذیرش پیشنهاد ازدواج، هزینه‌های بالایی را متحمل می‌گردد؛ او نیز با عقد ازدواج، عمر خویش را که سرمایه عظیم هر انسانی است و همچنین دوران جوانی خویش را (در زن‌های جوان) که بهترین دوران زندگی هر فرد است، در عقد ازدواج معامله می‌نماید. علاوه بر عمر و جوانی، مسئله بضع نیز مطرح است که زن تمام تمتعات خود را با عقد ازدواج در اختیار مرد قرار می‌دهد. پس مفهوم «اغلی الثمن» شامل موارد مربوط به زن نیز می‌گردد.

ثانیاً وقتی موارد هزینه شده در ازدواج توسط زن را کنار موارد هزینه شده توسط مرد می‌گذاریم، اولویت زن نسبت به مرد ثابت می‌شود. در یک طرف، مواردی مثل صرف عمر و جوانی، از دست رفتن موقعیت‌های ازدواج، بضع و تمتعات زن مطرح

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸

۱۱۲

است و در طرف دیگر، هزینه‌های عمدتاً مادی مرد مطرح می‌شود. مرد نسبت به زن، معمولاً با ازدواج موقعیت‌های دیگر را از دست نمی‌دهد و در صورت جدایی، عرف مردم نگاهی که به مطلقه دارند، به مرد طلاق داده ندارند. علاوه بر اینکه مسئله بضع و تمتعات برای زن مطرح است که برای مرد مطرح نیست. سؤالی که باید از فقهای قائل به حرمت پرسید، این است که آیا چنین امور مهمی را می‌توان با دریافت مهریه جبران نمود؟! مثلاً اگر زن بدون نگاه کافی در خواستگاری تن به ازدواج داد و پس از عقد، از ظاهر همسر خویش احساس ناخوشایندی داشت، آیا با اخذ مهریه از دست دادن فرصت‌های بهتر برای ازدواج یا مشکلات روحی روانی او و ... حل می‌گردد؟! به نظر می‌رسد اگر فقیه دوران‌دیش در شئون مختلف زن همچون عمر، جوانی، بضع و ... نیک بنگرد، اولویت امور فوق را نتیجه می‌گیرد.

از آنچه گفته شد، اولویت زن نسبت به مرد روشن گردید و اگر فقیهی بخواهد نسبت به مرد قائل به جواز نگاه شود نسبت به زن نیز باید به طریق اولی قائل به جواز گردد.

بررسی حکم
نگاه زن به مرد در
خواستگاری

۲. ضعف سند روایت «ان یؤدم بینکما»

ظاهر سخن فقها در باره روایت «ان یؤدم بینکما» این است که از لحاظ دلالت، جواز نگاه زن به مرد قابل استدلال می‌باشد، اما مشکل این روایت، ارسال سندی است؛ لذا آن را قابل اعتنا نمی‌دانند (حکیم، ۱۴۱۶، ۱۷/۱۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۳۵/۲۴).

بررسی

هر چند روایت مرسل است، اما سید رضی آن را به صورت جزمی به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت می‌دهد. همان گونه که در برخی مباحث رجالی مطرح گردیده، اگر از محدثان و فقهای مورد اعتماد از قدما روایتی به صورت جزمی به یکی از معصومان علیهم السلام نسبت داده شود و با عبارت «قال» یا «من کلامه» یا مشابه آن بیان گردد برخلاف «عنه» و مشابه آن، آن روایت مورد پذیرش قرار می‌گیرد. دلایل این سخن مجال واسعی می‌طلبد، اما به طور مختصر یکی از دلایل را این گونه می‌توان توضیح داد که اگر خبری که مخبر به آن امری حسنی است (یعنی امری است که

می‌توان با حس دریافت نمود) و محتمل الحس و الحدس باشد (یعنی احتمال دارد آن را از حس به دست آورده باشند یا از راه حدس و اجتهاد) و احتمال حسی بودن آن، معتنابه باشد، چنین خبری نزد عقلا حجت است (انصاری، ۱۴۲۸، ۲۱۵-۲۱۶، ۳۶۶؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۲۸۹؛ خویی، ۱۴۱۳، ۱۵۶-۱۵۷). مرحوم خویی حجیت قول بزرگان علم رجال همچون شیخ طوسی، نجاشی و کشی را از همین باب حجت می‌داند (خویی، بی‌تا، معجم رجال، ۴۱/۱)، ظاهراً امام خمینی علیه السلام نیز اسنادهای جزمی شیخ صدوق را طبق همین مبنا می‌پذیرد (خمینی، ۱۴۱۵، ۱۱۶/۱، ۴۴۳؛ خمینی، ۱۴۲۱، ۶۲۸/۲).

در بحث حاضر نیز باید گفت اسناد جزمی سید رضی (سید رضی، ۱۴۲۲، ۱۱۹/۱): به سبب نزدیک بودنش به عصر معصومان علیهم السلام، احتمال اینکه از راه قرائن حسی به سخن ایشان رسیده باشد، زیاد است (هر چند احتمال حدسی بودن را از بین نمی‌برد) مخصوصاً با توجه به اینکه به طور جزمی و قطعی به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده و با توجه به اینکه ایشان ثقه و اهل دقت بوده و بی‌جهت مطلبی را به اولیای دین نسبت نمی‌دهد (انصاری، ۱۴۲۸، ۳۵۲/۱)، پس چنین خبری نزد عقلا حجت و معتبر است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷

زمستان ۱۳۹۸

۱۱۴

دلیل سوم: آیه ۲۲۸ سوره بقره

بخشی از آیه ۲۲۸ سوره بقره به حقوق و تکلیف مردان و زنان اشاره دارد: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾؛ «مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده مردان] است، و مردان بر آنان برتری دارند».

این آیه با تبیین حقوق مساوی زن و مرد، زنان را گرامی داشته است، به طوری که هر حقی که مرد داراست، در صورتی که دلیلی بر اختصاص آن به مرد نباشد، زن نیز می‌تواند از آن بهره‌مند گردد. از آنجایی که نگاه در زمان خواستگاری نیز یکی از این حقوق است و مشمول این آیه است و با توجه به اینکه اختصاص این حکم به مرد هیچ دلیلی ندارد، حکم مذکور (جواز نگاه در حال خواستگاری) برای زن

نیز اثبات می‌گردد؛ به بیان دیگر، مطلب فوق را می‌توان توسط قیاس مساوات^۱ ثابت نمود؛ بدین صورت که:

- جواز نگاه به نامحرم در خواستگاری برای مرد ثابت است.
 - بر اساس این آیه، نگاه زن که یکی از حقوق به‌شمار می‌رود مساوی نگاه مرد است.
 - مساوی مساوی چیزی مساوی همان چیز نیز هست، یا ملائم ملائم چیزی ملائم همان چیز نیز هست (نگاه برای مرد ملائم است. از آنجا که مرد نیز ملائم زن است، نگاه برای زن نیز ملائم است).
 - پس نگاه برای زن نیز ثابت است.
- اثبات مطالب فوق در گرو دو امر است:

۱. تبیین اثبات حقوق دو طرفه در عبارت اول (ولهّن مثل الذی علیهنّ بالمعروف).
 ۲. نفی فزونی حقوق مرد در عبارت دوم (و للرجال علیهنّ درجّة).
- در بخش اول تقریباً همه مفسران اتفاق نظر دارند؛ چرا که از معنای لام و علی و ذکر آن در تقابل با یکدیگر، ویژگی حقوق و تکالیف به ذهن متبادر می‌شود، به طوری که در قبال هر حق شایسته‌ای، تکالیفی بر گردن طرف مقابل لازم می‌شود (مراغی، بی‌تا، ۱۶۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۷۵/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ۲۳۲/۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ۳۹۷/۱؛ امین، ۱۳۶۱، ۳۲۲/۲؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۱۵۶/۲).

بخش دوم تنها مورد توجه معدودی از مفسران واقع شده است و بیشتر ایشان معتقدند مردان به سبب ویژگی‌های سرپرستی، نفقه (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۲۵۸/۱) یا امتیازاتی همچون تعدد زوجات، فزونی ارث و دیه، مناصب اجتماعی و... از منزلت و برتری بیشتری نسبت به زنان برخوردارند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲۷۲/۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۴۴۱/۶).

با دقت در این دو عبارت باید گفت، چنین تفسیری از عبارت دوم، آن‌را با عبارت

۱. گاهی در قیاس، بعضی مقدمات حذف می‌شود و حدّ وسط به طور کامل تکرار نمی‌شود. قیاس مساوات را از این رو مساوات نامیده‌اند که در آثار منطقی با مثال «مساوی مساوی یک چیز، مساوی همان چیز نیز خواهد بود» تبیین می‌گردد (ابن سینا، بی‌تا، ۴۸). قیاس مساوات در صورتی که مقدمه خارجی آن کاذب نباشد، می‌تواند ما را به نتیجه صادق برساند. این قیاس در استدلال فقها نیز دیده می‌شود (ر.ک: نراقی، ۱۴۲۵، ۶۷۳؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ۳۵۶/۱؛ ایروانی، ۱۴۰۶، ۱۵۴/۱؛ مروج، ۱۴۱۶، ۱۰۲/۳).

اول ناسازگار می‌سازد؛ چرا که اگر خداوند می‌خواست برتری حقوق مردان را متذکر گردد، عبارت اول نیازی نبود و ذکر آن لغو می‌نمود. پس جمله دوم باید طوری تفسیر گردد که سازگاری دو عبارت محفوظ بماند.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی پژوهشگران بیان نموده‌اند (مهریزی، ۱۳۸۸، ۱۲-۱۳)، دقت در استعمالات واژه «درجه» و هم‌چنین دقت در تفسیر برخی صحابه ما را به نکته لطیفی در باب حقوق مردان و زنان رهنمون می‌سازد:

۱. واژه «درجه» در غالب موارد به کار رفته در قرآن برای منزلت‌های معنوی به کار رفته است (ر. ک: نساء/ ۹۵-۹۶؛ انعام/ ۸۳؛ انفال/ ۴؛ توبه/ ۲۰؛ اسراء/ ۲۱؛ طه/ ۷۵؛ حدید/ ۱۰؛ مجادله/ ۱۱).

۲. در نقلی از ابن عباس این چنین به آیه فوق استشهاد شده است: «من دوست دارم برای زن زینت کنم همان‌طور که دوست دارم او خود را برای من بیاراید؛ چرا که خداوند فرموده است: (و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف)؛ اما من دوست ندارم تمام حقوقم را استیفا نمایم؛ چرا که خداوند فرموده است: و للرجال علیهن درجه» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱/ ۲۷۶).

با توجه به دو مطلب فوق به این جمع‌بندی می‌رسیم که زنان و مردان از حقوق و تکالیف مساوی بهره‌مندند، اما در مواردی که زنان در موقعیت خاصی به سر می‌برند (مثل ایام عادت ماهیانه، ایام بارداری و شیردهی) مردان می‌توانند با گذشت از برخی حقوق خویش و مدارا با همسرانشان به درجات معنوی بالایی راه یابند. این مطلب را خداوند تنها نسبت به مردان متذکر شده نه زنان؛ چرا که ایام ویژه مذکور همواره برای زنان وجود دارد و مردان معمولاً دوران مشابه آن‌را به طور مستمر تجربه نمی‌کنند.

از آنچه گفته شد، تساوی حقوق و تکالیف زن و مرد و اثبات کرامت ایشان روشن گردید. خداوند مرد را با حق دیدن آزادانه همسر آینده خویش گرامی داشته است و با توجه به این آیه و از آنجایی که دلیلی بر اختصاص چنین حقی به مرد وجود ندارد، زن نیز با داشتن چنین حقی گرامی داشته شده است.

اشکالی که ممکن است به دلیل فوق وارد گردد، این است که این آیه درباره همسران است، در حالی که در مسئله حاضر هنوز علقه زوجیت بر قرار نشده، پس

با موضوع آیه بیگانه است. در پاسخ به این اشکال باید گفت: اولاً مورد، مخصص نیست و با توجه به اینکه عبارت «و لهن...» به طور کلی بیان گردیده، نمی‌توان آن را به دوران زوجیت اختصاص داد. ثانیاً این آیه در باره دوران طلاق است و عبارت «و لهن...» پس از گسسته شدن علقه زوجیت بیان گردیده است. پس به دوران قبل از طلاق اختصاص ندارد. ثالثاً با توجه اینکه واژه «للرجال» به کار برده شده نه «للزواج»، این امر می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه مراد از «هن» نیز «نساء» است نه «زوجات».

دلیل چهارم: قاعده نفی ضرر

قاعده نفی ضرر نیز در اینجا به کار می‌رود؛ زیرا با توجه به دلایل گسترده درباره قاعده مذکور (بقره/ ۲۳۱ و ۲۳۳ و نساء/ ۱۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹۳/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۱۴۶/۷؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ۵۰۴/۲) و عدم تقیید این ادله به ضررهای مالی و جانی، معلوم می‌گردد که این قاعده به ضررهای مالی و جانی اختصاص ندارد و ضررهای مربوط به کرامت انسانی را نیز شامل می‌شود. برخی فقها و اصولیان نیز نسبت به اشمال این قاعده بر ضررهای غیرمادی و کرامتی انسان و عدم اختصاص آن به ضررهای جانی و مالی تصریح نموده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۸۱؛ عراقی، ۱۴۱۸، ۱۲۹؛ صدر، ۱۴۲۰، ۱۳۴؛ محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱۴۱/۱؛ بجنوردی، ۱۳۷۷، ۲۱۴/۱؛ امام خمینی، ۱۴۱۰، ۳۲/۱؛ مراغی، ۱۴۱۷، ۳۰۹/۱). با توجه به کبرای فوق، صغرای مسئله چنین است که کسی که شرعاً نتواند همسر آینده‌اش را بنگرد، احتمال وقوع در خطا بالا می‌رود و اشتباه مذکور ضرر بزرگی را از لحاظ ارزش و کرامت انسانی متوجه او خواهد نمود، به طوری که باقی عمر او، دوران جوانی، مسائل روحی روانی و... از ازدواج اشتباه او متأثر خواهد بود؛ بنابراین، با توجه به تطبیق قاعده مذکور بر مسئله مورد بحث، حکم تحریم نگاه به نامحرم، نسبت به دوره خواستگاری تخصیص می‌خورد.^۱

۱. نکته شایان ذکر اینکه مبانی مختلف در تفسیر قاعده لاضرر تأثیر چندانی در مسئله مورد بحث ندارد؛ لذا تفاسیر متفاوت از این قاعده همچون نفی حکم (انصاری، ۱۴۲۸، ۴۶۰/۲)، نفی حکم به لسان نفی موضوع (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۸۱)، استظهار نهی از نفی (مراغی، ۱۴۱۷، ۳۱۱/۱)؛ شیخ الشریعه، ۱۴۱۰، ۲۶) و نفی ضرر بدون جبران (فاضل تونی، ۱۴۱۵: ۱۹۳) تأثیر در نتیجه بحث نخواهد داشت و می‌توان گفت طبق همه مبانی فوق با جبران قاعده لاضرر حکم حرمت منتفی می‌گردد.

دلیل پنجم: ضرورت

از دیگر موارد که ممکن است برای اثبات حکم جواز نگاه زن استدلال گردد، مصالح ضروری است. مسئله حاجت، ضرورت و اضطرار^۱ از عناوین تغییر دهند حکم است این که این عناوین در چه مواردی محقق می گردد، به تصدیق عرف بستگی دارد و حدود مشخصی برای آن در شرع تعیین نشده است (مغنیه، ۱۴۲۱، ۳۹۲/۴)؛ برای مثال، شهید ثانی نگاه برای ازدواج، تحمل و ادای شهادت، لزوم شناخت در معامله، درمان و مانند آن را از امور ضروری برشمرده که می تواند - البته به اندازه رفع نیاز - مجوز نگاه باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۷/۴۹-۵۱).

اگر عرف با توجه به محدودیت بانوان در انتخاب شدن برای ازدواج، حساسیت انتخاب همسر برای هر انسانی از جمله زنان، مسئله بضع، اختصاص حق طلاق به مرد و ... نگاه کردن به مرد در خواستگاری را از موارد ضرورت و حاجت تشخیص دهد، می توان از حکم اولی حرمت نگاه رفع ید نمود و قائل به جواز گردید. البته در احکام متأثر از ضرورت و حاجت باید به مقدار ضرورت اکتفا نمود و نمی توان بیش از آن فراتر رفت.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷

زمستان ۱۳۹۸

۱۱۸

گستره حکم جواز نگاه زن

پس از اثبات حکم جواز نگاه زن به مرد در خواستگاری، مسئله دیگر این است که حکم مزبور چه مقداری از نگاه را برای زن اجازه می دهد؟ آیا تابع مبنای فقیه در حکم نگاه مرد به زن است یا متفاوت می باشد؟ در صورت دوم گستره نگاه را باید به وجه و کفین اختصاص داد یا می توان شامل تمام اعضا و جوارح مرد دانست؟ روشن است که گستره هر حکمی تابع دلیل آن حکم است؛ بنابراین، بار دیگر به طور خلاصه ادله ای را که برای جواز نگاه استفاده شد، بازخوانی می کنیم تا گستره آن معلوم گردد:

- اشتراک علت «گران بودن ثمن و هزینه های ازدواج»؛

۱. عناوین یاد شده در برخی مواقع به جای هم به کار می روند (طوسی، ۱۴۰۰، ۳۵۹؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱۲۵/۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲/۲۲۰؛ حلی، ۱۴۱۴، ۱۶/۱۲۹؛ حلی، ۱۴۱۹، ۲/۴۳۲)؛ از این رو، هر سه عنوان بیان گردید.

- روایت «ان یؤدم بینکما»؛

- آیه «ولهن مثل الذی...»؛

- قاعده نفی ضرر؛

- ضرورت.

با توجه به علت «اشتراک علت»، محدوده نگاه زن به مرد شبیه همان محدوده نگاه مرد به زن می شود و در صورتی که فقیه در حکم مرد قائل به توسعه بود، نسبت به زن نیز می تواند فتوای به توسعه نگاه دهد. با توجه به «روایت ان یؤدم بینکما» و همچنین «قاعده نفی ضرر» ملاک، نگاهی است که در توافق و سازگاری و زندگی بهتر در آینده نقش داشته باشد و به تعبیر دیگر، آگاهی بیشتری به زن دهد و جهالت وی را از جهت مسائل ظاهری مرد برطرف نماید. این مطلب در مورد زنان معمولاً با نگاه مکرر به وجه و کفین یا علاوه بر آن، به سایر اعضا از روی لباس محقق می گردد.

در مورد آیه «ولهن مثل الذی...» نیز باید شبیه آنچه در مورد اشتراک علت گفتیم، بازگو کنیم؛ چرا که آیه به شباهت حقوق و تکالیف با واژه «مثل» تصریح نموده است.

در مورد ضرورت نیز همان طور که گفته شد، گستره آن محدود به مقدار ضرورت است و زمانی که ضرورت برطرف گردید، حکم حرمت نگاه بر قوت خود باقی است.

بنابراین، گستره حکم نگاه زن نسبت به ادله مختلف، متفاوت است و به طور کلی (با نادیده گرفتن دلیل ضرورت) دو طیف دلیل از جهت گستره می توان ارائه نمود: طائفه اول گستره حکم نگاه زن و مرد را شبیه هم می داند و طائفه دوم ملاک را آگاهی زن نسبت به ظاهر مرد برمی شمرد که این آگاهی ممکن است نسبت به افراد مختلف، متفاوت باشد. برخی با نگاه مکرر به وجه و کفین می توانند انتخاب آگاهانه داشته باشند، اما برخی لازم است نگاه خود را توسعه دهند. از آنجایی که طائفه اول وابسته به حکم نگاه مرد به زن است و این مقاله در صدد بررسی گستره حکم نگاه مرد به زن نبود، نمی توان به طور دقیق نسبت به طائفه اول سخن گفت، اما

گستره طائفه دوم معلوم گردید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله مسئله نگاه زن به مرد در خواستگاری مورد بررسی قرار گرفت که حکم حرمت نگاه مورد نقد واقع شد و حکم جواز اثبات گردید که در چند بند به طور خلاصه تبیین می‌گردد.

۱. فقهای امامیه به سبب فقدان دلیل کافی، حکم جواز را به مرد اختصاص داده و نسبت به زن عمومات حرمت نگاه را لحاظ نموده‌اند.

۲. با بررسی دلایل جواز نگاه مردان به زنان، معلوم گردید که دلایل جواز به مردان اختصاص ندارد و اشکال فقها به دلایل فوق در مورد زنان ناتمام می‌باشد.

۳. مفهوم «اغلی من الثمن» به بالا بودن هزینه اشاره می‌کند که چنین چیزی با روش تنقیح مناط شامل زن نیز می‌شود؛ پس نگاه زن نیز مشمول روایت است و علت فوق در هر دو جنس مرد و زن مشترک می‌باشد.

۴. علاوه بر اشتغال روایت بر زن، اولویت هزینه‌های زن نسبت به مرد نیز باعث می‌گردد حکم جواز نگاه نسبت به زن به طریق اولی ثابت باشد.

۵. آیه ۲۲۸ سوره بقره با بیان حقوق مساوی زن و مرد که از آن جمله نگاه در زمان خواستگاری است، ایشان را تکریم می‌کند. از آنجا که دلیلی بر اختصاص حقوق مذکور به مرد در دست نداریم، جواز حق نگاه زن در خواستگاری نیز اثبات می‌گردد. ۶. از آنجا که در قاعده نفی ضرر، مفهوم ضرر به ضررهای مالی اختصاص ندارد و از آنجا که ندیدن زن در خواستگاری باعث ضررهای قابل توجهی می‌گردد، می‌توان قائل به جواز نگاه شد.

۷. در صورتی که عرف نگاه زن را در خواستگاری از ضروریات تشخیص دهد، این دلیل نیز می‌تواند رافع حکم حرمت باشد. البته گستره آن به مقدار ضرورت مضیق می‌گردد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷

زمستان ۱۳۹۸

۱۲۰

منابع

• قرآن کریم (ترجمه فولادوند).

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۰۹). کفایة الأصول. قم: آل البيت.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵). دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام. قم: مؤسسة آل البيت.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (بی تا). الاشارات و التنبيهات. قم: نشر البلاغة.
۵. اراکی، محمد علی. (۱۴۱۹). کتاب النکاح. قم: نور نگار.
۶. امین، سیده نصرت. (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
۸. —، (۱۴۲۸). فوائد الأصول. چاپ نهم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۹. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی. (۱۴۰۶). حاشیة المکاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. بجنوردی، حسن. (۱۳۷۷). القواعد الفقهية. قم: بی نا.
۱۱. بروجردی، حسین. (۱۴۱۶). البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر. قم: نگین.
۱۲. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: آل البيت.
۱۴. حکیم، محسن طباطبایی. (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسة دار التفسیر.
۱۵. حلبی، ابو الصلاح تقی الدین بن نجم الدین. (۱۴۰۳). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۰). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. —، (۱۳۸۸). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۸. —، (۱۴۱۴). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب

بررسی حکم
نگاه زن به مرد در
خواستگاری

- الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٢٠. ____، (١٤١٣). قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٢١. ____، (١٤١٩). نهاية الإحكام في معرفة الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٢٢. خميني، سيدروح الله، (١٤١٠). الرسائل. قم: مكان انتشار، نوبت چاپ.
٢٣. ____، (١٤١٥). المكاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني عليه السلام.
٢٤. ____، (١٤٢١). كتاب البيع. قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني عليه السلام.
٢٥. ____، (بي تا). تحرير الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
٢٦. خوانساري احمد بن يوسف. (١٤٠٥). جامع المدارك في شرح مختصر النافع. قم: اسماعيليان. چاپ دوم.
٢٧. خويي، سيدابوالقاسم. (١٤١٨). موسوعة الإمام الخوئي. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي عليه السلام.
٢٨. ____، (بي تا). معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال. بي جا.
٢٩. ____، (بي تا). مصباح الفقاهة (المكاسب). بي جا.
٣٠. ____، (١٤١٣). مصباح الأصول. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي عليه السلام.
٣١. زمخشرى، محمود. (١٤٠٧). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل. بيروت: دار الكتاب العربي. چاپ سوم.
٣٢. سبزواري، عبد الأعلى. (١٤١٣). مهذب الأحكام. چاپ چهارم. قم: مؤسسه المنار.
٣٣. سيد رضی، محمد بن حسين. (١٤٢٢). المجازات النبوية. قم: دار الحديث.
٣٤. سيوطي، جلال الدين. (١٤٠٤). الدر المنثور في تفسير المأثور. قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفی.
٣٥. شمس الدين، محمد مهدي. (بي تا). السترو النظر. بيروت: مؤسسه المنار- نشر جاويد.
٣٦. شهيد ثاني، زين الدين بن علي عاملي. (١٤١٣). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
٣٧. ____، (١٤١٢). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. المحسني سلطان العلماء. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
٣٨. شيخ الشريعة اصفهاني، فتح الله بن محمد جواد. (١٤١٠). قاعدة لا ضرر. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٣٩. صدر، محمد باقر. (١٤٢٠). قاعدة لا ضرر و لا ضرار. قم: دارالصادقين للطباعة و النشر.
٤٠. صدوق، محمد بن علي ابن بابويه. (١٤١٣). من لا يحضره الفقيه. قم: دفتر انتشارات

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ١٧
زمستان ١٣٩٨

١٢٢

- اسلامی . چاپ دوم .
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن . (۱۳۷۲) . مجمع البيان في تفسير القرآن . تهران: انتشارات ناصر خسرو . چاپ سوم .
۴۲. طوسی، محمد بن الحسن . (۱۴۰۷) . تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) . تهران: دار الكتب الإسلامية . چاپ چهارم .
۴۳. — ، (۱۳۸۷) . المبسوط في فقه الإمامية . تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية . چاپ سوم .
۴۴. — ، (۱۴۰۰) . النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى . بيروت: دار الكتاب العربي . چاپ دوم .
۴۵. — ، (۱۴۰۷) . الخلاف . قم: دفتر انتشارات اسلامی .
۴۶. عاملی، محمد بن علی موسوی . (۱۴۱۱) . نهاية المرام في شرح مختصر شرائع الإسلام . قم: دفتر انتشارات اسلامی .
۴۷. عراقی، ضياء الدين . (۱۴۱۸) . قاعدة لاضرر و لاضرار . قم . دفتر انتشارات اسلامی .
۴۸. فاضل تونی، عبدالله بن محمد . (۱۴۱۵) . الوافية في أصول الفقه . چاپ دوم . قم .
۴۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله السیوری . (۱۴۱۹ق) . كنز العرفان في فقه القرآن . مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی .
۵۰. — ، (۱۴۰۴) . التنقيح الرائع لمختصر الشرائع . قم: کتابخانه آية الله مرعشي نجفی .
۵۱. فاضل هندی، محمد بن حسن . (۱۴۱۶) . كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام . قم: دفتر انتشارات اسلامی .
۵۲. فخر المحققين، محمد بن حسن بن يوسف . (۱۳۸۷) . إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد . قم: اسماعيليان .
۵۳. فخر رازی، محمد بن عمر . (۱۴۲۰) . مفاتيح الغيب . بيروت: دار احیاء التراث العربی . چاپ سوم .
۵۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی . (۱۴۱۵) . تفسير الصافي . چاپ دوم . تهران: مكتبة الصدر .
۵۵. کرکی، علی بن حسین . (۱۴۱۴) . جامع المقاصد في شرح القواعد . قم: مؤسسه آل البيت . چاپ دوم .
۵۶. کلاتری، علی اکبر، «مفهوم، اعتبار و مکانیزم تنقیح مناط»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۱۳۸۷، شماره ۱/۸۱ .

بررسی حکم
نگاه زن به مرد در
خواستگاری

۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷)، **الکافی**. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۵۸. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸). **شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام**. قم: اسماعیلیان. چاپ دوم.
۵۹. —. (۱۴۱۸). **المختصر النافع في فقه الإمامية**. قم: مؤسسة المطبوعات الدينية. چاپ ششم.
۶۰. محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۳). **قواعد فقه**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. چاپ دوازدهم.
۶۱. مدرس، سید محمد تقی. (۱۴۱۹). **من هدی القرآن**. تهران: دار محیی الحسین.
۶۲. مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). **تفسیر المراغی**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶۳. مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی. (۱۴۱۷). **الناوین الفقهية**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. (۱۴۱۳). **المقنعة**. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۵. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱). **فقه الإمام الصادق**. چاپ دوم. قم: مؤسسه انصاریان.
۶۶. مکارم، ناصر. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۶۷. مرعشی نجفی، شهاب الدین. (۱۴۱۵). **القصاص علی ضوء القرآن والسنة**. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۶۸. مروج، محمد جعفر. (۱۴۱۶). **هدی الطالب في شرح المکاسب**. قم: مؤسسه دارالکتاب.
۶۹. مهریزی، مهدی، «تحلیل تفسیری و فقهی آیه ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجة»، **آموزه های فقهی**، ۱۳۸۸، شماره ۳، صص ۳-۱۷.
۷۰. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴). **جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم.
۷۱. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵). **مستند الشیعة في أحكام الشریعة**. قم: مؤسسه آل البيت.
۷۲. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۷). **عوائد الأيام في بیان قواعد الأحكام**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷۳. —. (۱۴۲۵). **الحاشية علی الروضة البهیة**. قم: انتشارات اسلامی.
۷۴. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی. (۱۴۱۹). **العروة الوثقی (المحشى)**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

جستارهای فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸

۱۲۴